بیامدی وایشان را کسی نداشتی مگر آنان را که باصل از عرب بودند شبی در خواب
دیدم ازین طایفه حلقه حلقه وجوق جوق تا بدر آسمان مرا گفتند ای پسر بکیر
این همه که دیدی همه موالی اند از عجم در میان ایشان یک تن است از عرب
شیخ الاسلام گوید من سیزده ابوالخیر شناسم ازین طایفه همه موالی بودند
سید آن جهان وچندی را نام برد ابوالخیر تیناتی وابوالخیر عسقلانی وابوالخیر
حمصی وابوالخیر مالکی وابوالخیر حبشی بیبن ابوالخیر است **ابوالخیر حبشی رحمه الله**
شیخ عمو وشیخ عباس بدیدار وی فخر میکردند وی بمکه مجاور بوده وقتی شخصی
در مسجد حرام آمد وگفت کجا اند آنان که جوان مردان میگویند پس اشارت بصوفیان
کرد بر سبیل حقارت گفت جوان مردان اینانند ساعتی گذشت شیخ ابوالخیر حبشی
می آمد با هیبت تمام زردی بر روی وی پدید آمده آن سخن را که آن شخص گفته بود
دانسته بود پس گفت کیست آنکه میگوید کجا اند جوان مردان جوان مردی باید
تا جوان مرد پسند وگویند که وی همانست که قبر وی در ابرقوه است ونام وی اقبال
بود ولقب وی طاووس الحرمین وکنیت وی ابوالخیر غلامی بود حبشی مر بعض خواجگان
جرجان را ودران بندگی نیز به بندگی حضرت حق سبحانه اشتغال تمام داشت
همواره خواجه وی میگفت از من چیزی خواه واز وی هیچ نمی خواست روزی بروی
الحاح بسیار کرد گفت اگر میخواهی مرا خاصة لوجه الله آزاد کن خواجه گفت چند
سالست که ترا آزاد کرده ام وحقیقت تو خواجه بودی ومن بنده پس خواجه خود را

وداع کرد وروی ببغداد آورد بقصد زیارت یکی از مشایخ چون بانجا رسید
آن شیخ مشرف بر موت بود چون سلام کرد گفت وعلیک السلام یا اباالخیر
مشتاق بودیم وترا لقبی است شریف که در حجاز بآن مشرف خواهی شد ووی را
وصیت بمجاورت حرمین شریفین زادهما الله تعالی شرفا کرد وگفت مقصود تو
آنجا حاصل خواهد شد شصت سال مجاورت حرمین کرد که هرگز از هیچ کس هیچ چیز
طلب نکرد وی گفته که شصت سال در مکه ومدینه مجاورت کردم وسختیهای
بسیار کشیدم هرگاه خواستم که از کسی سوال کنم هاتفی آواز داد که شرم
نمیداری که رویی که بان سجده ما میکنی آن را پیش غیر ما خوار گردانی گفته اند
که هرگاه که بروضه مقدسه مصطفویه علی ساکنها الصلوة والسلام در آمدی
وگفتی السلام علیک یا رسول الثقلین جواب آمدی که علیک السلام یا طاوس
الحرمین وی گفته الحر من یوجب علی نفسه استغناء عن احد وهم وی گفته که
بر تجارت اجارتست وتواضع سود ایشان در سنه ثلاث وثمانین وثلثمائه برفته
از دنیا **ابوالخیر عسقلانی رحمه الله تعالی** ببغداد آمد وچندگاه اقامت کرد
وبا مشایخ صحبت داشت واز انجا بیکی از دهها رفت ومتاهل شد وهم انجا وفات
کرد **ابوالخیر حمصی رحمه الله تعالی** بادیه کعبه را بازها بر قدم توکل قطع کرد
توفی بعد العشر والثلثمائه **ابراهیم بن شیبان الکرمانشاهی القرمیسینی قدس
الله سره** از طبقه رابعه است کنیت وی ابواسحق است شیخ جبل بود در وقت

Copyright © King Saud University